



بررسی نقش برنامه جامع اقدام مشترک در عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل*



مهدی خزایی** - دکتر موسی موسوی زنوز***
دکتر حسن سلیمانی****

چکیده

سلاح‌های کشتار جمعی و آثار مخرب آن‌ها، همواره مورد توجه حقوقدانان در راستای ایجاد موانع حقوقی عدم‌اشاعه آن‌ها بوده است. چرا که پیامدهای فراوان این سلاح‌ها در جامعه جهانی از هیچ کس پوشیده نیست. مقاله حاضر ضمن پرداختن به ماهیت توافقنامه بین‌المللی «برنامه جامع اقدام مشترک» موسوم به «برجام»، در صدد بررسی نقش عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل است. در این مقاله پس از بسط فضای مفهومی «برجام»، به اهمیت و نقش آن در عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که برجام از چه طریقی می‌تواند بر عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل تأثیرگذار باشد؟ روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. با توجه به فقدان تعدد کافی در پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع «برجام» و نیز نظر به تأثیر «برجام» بر حقوق بین‌الملل حاکم بر عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، و اینکه پژوهش حاضر با هدف تدوین و احصاء پیامدهای «برجام» بر اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، از نگاه راهبردی به متن توافق و نه محتوای توافق صورت پذیرفته، نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که «برجام» از طریق تعهد و عمل به پروتکل الحاقی و پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و پادمان‌ها و اقدامات شفاف‌سازی شده مطرح در متن توافقنامه وین، از طریق کاهش رقابت تسلیحاتی و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بر حقوق بین‌الملل حاکم بر عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی تأثیر می‌گذارد.

کلیدواژگان: برنامه جامع اقدام مشترک، برجام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، توافقنامه وین سلاح هسته‌ای، سلاح کشتار جمعی، حقوق بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی مهدی خزایی با عنوان «تأثیر برجام بر حقوق بین‌الملل حاکم بر عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی» با راهنمایی دکتر موسی موسوی زنوز است.

** دانشجوی دکتری گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، امارات.

*** نویسنده مسئول، استادیار حقوق بین‌الملل عمومی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی تهران/ ایمیل:

M.Moosavi@itsr.ir

**** استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

مقدمه

مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و گروه پنج به علاوه یک (۱+۵) شامل ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان و ایران بر اساس پیمان‌نامه جهانی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۱ به منظور کسب اطمینان در خصوص عدم تولید و توسعه سلاح‌های هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران و همچنین تأیید حق ایران برای استفاده صلح آمیز از فناوری هسته‌ای در سال ۲۰۰۶ میلادی (۱۳۸۵) آغاز گردید. پس از آغاز این مهم، قدرت‌های جهان غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کردند با تحمیل تحریم‌های فلج‌کننده، ایران را راضی به اعمال محدودیت‌هایی در برنامه هسته‌ای خود کنند. سرانجام با میانجی‌گری کشور عمان، در اواخر دولت دهم جمهوری اسلامی ایران به ریاست محمود احمدی‌نژاد و همچنین پیروزی حسن روحانی در یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲ هجری شمسی، شرایط برای آغاز دور جدید مذاکرات بین ایران و گروه موسوم به ۱+۵ فراهم شد که در نهایت به امضای توافقنامه «برنامه جامع اقدام مشترک»^۲ موسوم به «برجام»^۳ انجامید. «برجام» توافقنامه‌ای بین‌المللی است که در تاریخ ۱۴ ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی در شهر وین اتریش به امضای طرفین رسیده است. این توافقنامه نهایتاً پس از حدود دو سال مذاکره فشرده بر سر چگونگی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، صورت پذیرفت که یکی از طولانی‌ترین مذاکرات بین‌المللی بر یک موضوع مشخص محسوب می‌شود.

از زمان نگارش برجام تاکنون، «در نشست‌ها و گفتگوهای زیادی از زوایای گوناگون به این مسأله توجه شده، اما آنچه در این بین حائز اهمیت است، این است که پس از ۸ سال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ارزیابی نهایی خود را جمع‌آوری و اعلام کرده است که هیچ‌سند معتبری از انحراف مواد هسته‌ای در خصوص ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد. این در حالی است که موضوع ابعاد نظامی احتمالی PMD^۴ سفید بسته و اولین گزارش دبیرکل راجع به اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت صادر و قرائت شده»^۵ (Mullah Karimi & Jalali, 2017: 51).

^۱. NPT

^۲. Joint Comprehensive Plan of Action

^۳. JCPOA

^۴. Possible Military Dimensions

^۵. در این گزارش آمده است از ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶، هیچ گزارش رسمی یا غیررسمی از تهیه، خرید، فروش یا صادرات اقلام ممنوعه مرتبط با هسته‌ای به ایران به دست نرسیده است. همچنین از آن تاریخ، هیچ گزارشی مبنی بر تهیه، خرید، فروش یا صادرات اقلام مرتبط با موشک‌های بالستیک به ایران که مغایر با قطعنامه شورای امنیت باشد به دبیرخانه واصل نشده است. با این حال، در مارس ۲۰۱۶ ایران آزمایش‌های موشکی انجام داده است که جزئیات آن به نقل از رسانه‌های ایران و گزارش‌های کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان و آمریکا به اطلاع (ادامه در صفحه بعد)

این در حالی است که علیرغم همکاری‌های وسیع قبل از برپایی نظام جمهوری اسلامی، پس از انقلاب و بخصوص پس از پایان جنگ تحمیلی و همزمان با پایان جنگ سرد، فشارهای غرب به ویژه امریکا به بهانه سلاح‌های هسته‌ای و همراهی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران را در وضعیت بحرانی قرار داد. این بحران زمانی تشدید شد که بعد از اشغال افغانستان و عراق توسط امریکا، این ذهنیت بوجود آمد که بعد از آنها نوبت اشغال ایران است، در چنین شرایطی پرونده هسته‌ای ایران بحرانی شد و بازرسان آژانس؛ خبر از مخفی کاری و وجود سرخ‌هایی از اورانیوم غنی شده و زمینه‌های تسلیحات هسته‌ای می‌دادند. «دو قطعنامه شورای حکام آژانس علیه ایران، بحران بی سابقه‌ای را در ایران بوجود آورد. فشار غیرمتعارف و خلاف مقررات آژانس برای پذیرش پروتکل الحاقی و منع استفاده صلح جویانه از انرژی هسته‌ای، ایران را در دوراهی سختی قرار داده بود که یا از آژانس خارج شود و یا اینکه بخواهد تن به همه فشارها بعدی بدهد» (Khosh Andam, 2007: 60).

این وضعیت، منجر به شکل‌گیری فرآیند مذاکرات بین ایران و گروه موسوم به ۵+۱ و نیز بیانیه اولیه لوزان و توافقنامه نهایی وین حاصل از این مذاکرات در قالب برجام شد تا خطر اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی را به صورت قانونی و در فرآیندهای حقوقی، حقوق بین‌الملل کاهش دهد. حال پرسش این مقاله آن است که برجام از چه طریقی می‌تواند بر عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل تأثیرگذار باشد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده که «برجام از طریق تعهد و عمل به پروتکل الحاقی و پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و پادمان‌ها و اقدامات شفاف‌سازی شده مطرح در متن توافقنامه وین، از طریق کاهش رقابت تسلیحاتی و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بر حقوق بین‌الملل حاکم بر عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی تأثیر می‌گذارد». روش تحقیق مقاله توصیفی-تحلیلی است و هدف آن یافتن اثرات برجام در حقوق بین‌الملل است در این راستا که چنین توافقنامه‌ای می‌تواند الگویی بر توافقات مشابهی شود که می‌تواند خطر اشاعه تسلیحات کشتار جمعی را کاهش دهند.

۱- پیشینه پژوهش

در این راستا پژوهش‌های چندی توسط محققان صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به منصوری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بازرسی مراکز نظامی و بررسی حقوقی «برجام» در این پژوهش به محدودیت‌های تأسیسات هسته‌ای ایران به تفکیک نوع آن اشاره شده است؛ رآکتور و

(ادامه از صفحه قبل) دبیرکل رسیده است. در ادامه این گزارش آمده است: «بررسی مشروعیت این اقدام در اختیار شورای امنیت است، اما دبیرکل تأکید دارد که همه باید از فضای مثبت به وجودآمده پس از برجام استفاده و این موقعیت را در راستای روح سازنده برجام حفظ کنند. در همین جهت وی از ایران خواست تا از انجام این قبیل اعمال خودداری کند، زیرا سبب ایجاد تنش در منطقه می‌شود.

کارخانه تولید در دست ساخت آب سنگین اراک، نیروگاه اتمی بوشهر، معدن اورانیوم گچین، مرکز هسته‌ای فردو، کارخانه تبدیل اورانیوم اصفهان، کارخانه غنی‌سازی اورانیوم نظنز و مجتمع توسعه و تحقیقات نظامی پارچین. (9) (Partovi and et.al., 2016)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رژیم‌های بین‌المللی منع کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، به این نتیجه رسیده است که با توجه به اصول اخلاقی حاکم بر سیاست جمهوری اسلامی ایران که حرکت در رویکرد آرمان‌گرایانه را مدنظر قرار می‌دهد، عضویت ایران در رژیم‌های حقوقی بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های سلاح‌های کشتار جمعی، امنیت ملی ایران را تقویت می‌کند. (Abolhassan Shirazi, 2015: 13)، در پژوهشی با عنوان «کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱» بررسی می‌کند که در جریان مذاکرات برجام نشانه‌های قدرت روز افزون ایران اسلامی و افول قدرت مادی و نامشروع مستکبران در این مناقشه چندساله به وضوح دیده شد و این نویدبخش «پیروزی نهایی جریان حق» در افق پیشروست. (Farjvand, 2003: 163) در پژوهشی با عنوان «جامعه بین‌المللی و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» به این نتیجه دست یافت که جامعه بین‌المللی از ابتدای دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای و متعاقب نخستین انفجار بمب هسته‌ای، خواستار توقف توسعه و تولید سلاح‌های هسته‌ای بوده، بنابراین فزاینده‌ای برای نیل به خلع سلاح هسته‌ای شکل گرفت (Blockmans and Viaud, 2017: 3). در این پژوهش نقش میانجی‌گری اتحادیه اروپا پررنگ بیان می‌شود و نیز اشاره شده است که اتحادیه اروپا منافع اقتصادی از لغو تحریم‌ها و امکان برقراری تجارت با ایران می‌برد. همچنین نقش اروپا در به ثمر رسیدن این توافقنامه به عنوان یک کارگزار صادق بیان شده است (Grip, 2017: 137). در پژوهشی با عنوان «اتحادیه اروپا و عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی» به بررسی سیر کنسرسیوم عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۱ میلادی به بعد پرداخته و به سیاست‌های اتحادیه اروپا در اجرای عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای بین متخصصین، کارشناسان و دانشگاهیان می‌پردازد.

با بررسی پیشینه‌های تحقیق قابل بررسی است که علیرغم اینکه پیشینه‌ها تا حدودی در راستای موضوع این مقاله هستند اما طریقی که برجام می‌تواند بر عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل تأثیرگذار باشد را بررسی نمی‌کنند و با بررسی‌های انجام گرفته هیچ پیشینه‌ای با این عنوان یا موضوع پیدا نشده است لذا در این زمینه این مقاله می‌تواند تا حدودی ضعف پیشینه‌ها را برطرف کند از سوی دیگر با انعقاد برجام تحلیل‌های فراوانی در قالب مقاله، کتاب، پایان‌نامه مطرح گردید که از زوایای مختلف به بحث برجام پرداخته‌اند اما تأثیرات برجام بر سلاح‌های کشتار جمعی که امروزه موضوع بسیار مهمی در حقوق بین‌الملل است مغفول واقع شده است که این مقاله به این موضوع می‌پردازد.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری: معاهده یا توافق در حقوق بین الملل

معاهده در اصطلاح به معنای توافق بین المللی دولت‌ها است، به نحوی که شرایط لازم مطابق حقوق بین الملل را دارا باشد. شاخصه اصلی معاهدات بین المللی، همان الزام آور بودنشان میان طرف‌های پذیرنده آن است. به همین دلیل اسامی مختلفی که برای این مفهوم در عرصه بین المللی به کار می‌رود، ماهیت این پدیده را تغییر نمی‌دهد، بلکه فارغ از نامی که برای آن برگزیده می‌شود، دارا بودن شرایط لازم مطابق حقوق بین الملل است که توافق تابعان حقوق بین الملل را به یک معاهده بین المللی تبدیل می‌سازد. برخی دیگر معاهده بین المللی را «هرگونه توافق منعقد شده میان تابعان حقوق بین الملل به منظور حصول آثار حقوقی معینی طبق مقررات حقوق بین الملل دانسته‌اند» (Ziaei Bigdeli, 1999: 19). با این حال، به نظر می‌رسد معتبرترین و مشهورترین تعریفی که از معاهده بین المللی ارائه شده، همان است که در معاهده ۱۹۶۹ میلادی وین در خصوص حقوق معاهدات آمده است: معاهده عبارت است از یک توافق بین المللی که بین دولت‌ها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد.

لذا در عرصه بین المللی توافقات زیادی بین تابعان حقوق بین الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی به عنوان تابعان اصلی و همچنین نهادهای غیر دولتی، سازمان‌های آزادی بخش، شرکت‌های چند ملیتی و افراد که به تدریج در حال باز کردن جایگاه خود در حقوق بین الملل به عنوان تابعان جدید هستند) منعقد می‌گردد، که از تمامی آن‌ها به توافق بین المللی تعبیر می‌شود. اما بخشی از توافقات بین المللی صرفاً میان تابعان حقوق بین المللی منعقد می‌شود که می‌توان آن‌ها را در دو دسته توافقات اخلاقی یا نزاکتی و توافقات حقوقی تقسیم نمود.

رویه دولت‌ها نشان می‌دهد آن‌ها در کنار انعقاد توافقات حقوقی بین المللی، موافقت‌نامه‌های غیرحقوقی (نزاکتی) نیز منعقد می‌کنند، «موافقت‌نامه‌هایی که موجب تعهداتی با ماهیت صرفاً اخلاقی یا سیاسی‌اند. خصوصیت مهم این توافقات آن است که هیچ‌گونه الزام حقوقی برای طرف‌های آن در پی ندارد و این توافقات از دو نوع توافقی که دولت‌ها در آن به دنبال ایجاد تعهدات حقوقی‌اند یعنی معاهدات و قراردادهای بین المللی متمایز می‌شوند. در معاهدات، تعهدات حقوقی تابع حقوق بین الملل‌اند و در قراردادهای بین المللی این تعهدات تابع نظام‌های حقوقی داخلی قرار می‌گیرند» (Widdows, 1979: 144-149).

بر این اساس، نقض تعهدات مندرج در توافقات اخلاقی یا نزاکتی به مسئولیت بین المللی دولت ناقض منجر نمی‌شود و بحث آثار و اجرای مسئولیت در خصوص نقض این توافقات منتفی است. البته نقض چنین توافقاتی ممکن است در شرایط و احوال خاص با قواعد عام تعاملات سیاسی و دیپلماتیک مغایر تلقی شود و عکس‌العمل متقابل طرف دیگر همچون توسل به اقدام

تلافی جویانه غیردوستانه و متقابل را در پی داشته باشد (Densho Encyclopedia, 2019). به عقیده برخی از کارشناسان حقوقی، از جمله نادر مردانی و محمد مهدی هوشمند، «متن توافقنامه نشان می‌دهد که «برجام» یک معاهده حقوقی بین‌المللی نیست، بلکه می‌تواند در جرگه موافقت‌نامه‌های نزاکتی قرار گیرد» (Mardani and Hooshmand, 2016: 3).

البته سیاسی بودن وجه غالب این پیمان‌ها، به معنای عدم توجه به پیامدها و نتایج سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک نقض آن نیست. در مواردی حتی ممکن است به واسطه برخی توافقنامه‌های نزاکتی، در عمل آثار و نتایج مثبت و منفی بسیاری نسبت به یک دولت ایجاد گردد، اما این آثار از منظر حقوق بین‌الملل جنبه حقوقی و الزام‌آور برای آن دولت نداشته و دولت ملزم به پذیرش آن‌ها نیست. «موافقت‌نامه‌های حقوقی بین‌المللی یا معاهدات بین‌المللی نیز که به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع حقوق بین‌الملل به شمار می‌آیند، از منظر عرف بین‌المللی هرگونه توافقی هستند که میان تابعان حقوق بین‌الملل و به منظور ایجاد آثار حقوقی معین طبق قواعد حقوق بین‌الملل منعقد می‌گردد» (Taheri Kalan, 2016: 3).

از سوی دیگر نظرات برخی از پژوهشگران (پژوهش‌های انجام‌شده در شورای نگهبان قانون اساسی) در خصوص «برجام» به طوری بیان شده «برجام» را یک معاهده و آن هم از نوع معاهده تشریفاتی می‌پندارند. همچنین بیان شده است که بر اساس اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظرات تفسیری شورای نگهبان قانون اساسی، تصویب توافقنامه‌های بین‌المللی که اولاً دارای وصف بین‌المللی هستند و ثانیاً موجب تعهد دولت ایران (از هر نوع و جنس) می‌گردد، در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار دارد و چنین معاهداتی در زمره معاهدات تشریفاتی به حساب می‌آیند. مطالعه «برجام» بیانگر آن است که متن نهایی توافق ایران و کشورهای موسوم به ۱+۵ دارای هر دو وصف بین‌المللی بودن و داشتن تعهد برای دولت ایران است (Fattahi Zafar Ghandi, 2015: 52-51). بررسی چنین پژوهش‌هایی از دو جهت اهمیت دارد اولاً، نام بردن از «برجام» به عنوان معاهده و ثانیاً تأکید برداشتن واژه تعهد در «برجام» که از اصول موافقت‌نامه‌های بین‌المللی است. علاوه بر مطلب فوق قابل بررسی است که نظریه اصالت تعهد حقوقی دولت‌ها به «همکاری بین‌المللی»^۱ در حقوق بین‌الملل از جمله مفاهیمی است که دارای جایگاه ویژه‌ای است. اساساً بنای اصلی حقوق بین‌الملل، مبتنی بر اصل همکاری بین دولت‌هاست، چرا که اساس تعهدات بین‌المللی در پیوند جامعه شناختی و رابطه متقابل میان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) قرار گرفته است. «با اینکه نظم عمومی بین‌المللی،

^۱. در بند ح از مقدمه برجام آورده شده است که گروه ۱+۵ و ایران بر عهده می‌گیرند که این برجام را با حسن نیت و در فضایی سازنده مبتنی بر احترام متقابل اجرا نمایند و از هر گونه اقدام مغایر با نص، روح و هدف این توافق خورداری نمایند.

هنوز از سازمان حقوقی پیشرفته‌ای برخوردار نگشته است، اما تعهد دولت‌ها به همکاری در برخی مفاهیم عام بین‌المللی، چندان نیز بدون جایگاه نیست، بر این اساس برخی کارشناسان معتقدند نقض «برجام»، مسئولیت بین‌المللی ایجاد می‌کند، زیرا نظام ضمانت اجرا، یعنی اقدام به اقدام متقابل، در «برجام» برگشت‌پذیر است. در واقع، در «برجام» یک سیستم خودبسنده وجود دارد و به نوعی ماده ۶۰ کنوانسیون وین بر آن حاکم است که مبتنی بر اختتام یا تعلیق، در مقابل نقض اساسی یک معاهده است» (Delkhosh, 2017: 56). در این راستا خروج آمریکا از برجام در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۱۸ را می‌توان مصداق نقض اساسی مفاد برجام به عنوان توافق نامه ای بین‌المللی دانست که طبعاً تبعات ناشی از آن می‌تواند به عنوان مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض مطرح گردد.

این در حالی است که در آخرین نشست کمیسیون مشترک برجام در ۱۳۹۹/۶/۱۱ در وین تمامی اعضا از برجام به عنوان یک عنصر کلیدی از ساختار عدم‌اشاعه جهانی یاد کردند که توسط قطنامه ی ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز تایید شده است.^۲

برخی دیگر نیز معتقدند «برجام» از حیث بحث استقلال می‌تواند معاهده تلقی گردد، چرا که «مقوله استقلال متفاوت از محتوای تعهدات بوده و به طور کلی متوجه روابط خارجی دولت‌های طرف معاهده - توافق است. در مقوله استقلال محدوده‌ای که در آن تعهدات توافقی بتوانند مستقل از دیگر ارتباطات حقوقی ادامه حیات داده و زندگی کنند، بررسی می‌شود. برخی از تعهدات، به صورت کاملاً مستقل از یک نظام حقوقی و معاهداتی ادامه حیات می‌دهند. دسته‌ای دیگر زمانی بروز می‌کنند که دولت‌ها معاهداتی در این زمینه طراحی کنند و در نهایت برخی دیگر از تعهدات نیازمند ایجاد تعهدات معاهداتی یا حقوقی (در نظام حقوق داخلی یا بین‌المللی) در آینده هستند. بدیهی است که هر قدر ساختار توافق به تعهدات حقوقی دیگر گره بخورد از استقلال کمتری برخوردار خواهد بود» (Hollis and Newcomer, 2009: 508-581).

در «برجام» در مواد مختلفی همانند مواد ۱۳، ۱۴ و ۱۷ ملاحظه می‌شود که این موافقت‌نامه به اسناد و فرآیندهای حقوقی دیگری بسته شده است. برای مثال نگاه کنید به مواد مختلف بخش (C) در خصوص شفافیت و اقدامات اعتمادسازی، خصوصاً به مواد ۱۳، و ۱۷ که «برجام» را به مجلس شورای اسلامی ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تصمیمات آن و همچنین به شورای امنیت و اقدامات آن پیوند می‌زند. بنابراین، مشخص است که «از منظر استقلال، هر قدر یک موافقت‌نامه از استقلال بیشتری نسبت به یک نظام حقوقی برخوردار باشد، جنبه سیاسی بیشتری به خود گرفته

^۱. از نقطه نظر حقوق بین‌الملل عمومی برای تحقق مسئولیت بین‌المللی یک دولت چهار شرط ذیل قید شده است: نقض یک تعهد بین‌المللی توسط دولت؛ تحقق ضرر و زیان در طرف دیگر؛ وجود رابطه سببیت بین عمل دولت و ضرر وارده و قابلیت انتساب عمل زیان آور به دولت یا ارگان‌های مسئول و وابسته به آن.

^۲. <http://www.mfaict.ir/portal/printnews/137063>

و الزام، اجرا و تفسیر آن تابع ضمانت‌های غیرحقوقی قرار خواهد گرفت. ولی در نقطه مقابل، هر قدر یک موافقت‌نامه (حقوقی یا سیاسی) پیوستگی بیشتری با یک نظام حقوقی برقرار کند، قابلیت انعطاف و اعتمادسازی آن موافقت‌نامه وابسته به نظام حقوقی مربوطه خواهد بود که سند با آن‌ها ارتباط برقرار نموده است» (Nazif and Zaheri, 2018: 185-187).

از سوی دیگر در خصوص حقوقی بودن «برجام» نیز برخی به این نکته اشاره نموده‌اند که شیوه حل و فصل اختلافات مندرج در متن «برجام» با روش‌های مسالمت آمیز حل اختلاف، متفاوت است؛ بنابراین، یک معاهده است. پیش‌بینی ساز و کار حل و فصل اختلافات در «برجام»، خود حاکی از معاهده بودن آن است. علاوه بر آن بایستی توجه داشت که بر اساس اصل اصالت محتوا در معاهدات، «محتوا و معیار»، مهم است نه عنوان متن. آنچه در تعیین حقوقی یا اخلاقی بودن یک توافق‌نامه اهمیت دارد، ایجاد آثار و الزامات حقوقی بین‌المللی میان تابعان حقوق بین‌الملل است و عنوان، تفاوتی در ماهیت این موافقت‌نامه‌ها ایجاد نخواهد کرد، چرا که در متن توافق‌نامه از الفاظی استفاده شده است که تعهدآور هستند؛ از جمله اینکه در متن «برجام»، سی و سه مرتبه از واژه «تعهدات» استفاده شده است و در نهایت می‌توان استدلال نمود که «برجام» مبتنی بر یک سلسله حقوق طرفین است و چون متن در این مورد صراحت دارد، رجوع به قصد و نیت معنایی ندارد. بر اساس اصول ۷۷ و ۱۲۵، «معاهده در معنای عام به چیزی اطلاق می‌شود که دولتی را در قبال دیگر تابعان حقوق بین‌الملل یا سازمان‌های بین‌المللی، متعهد به انجام فعل یا ترک فعل کند و بر این اساس، «برجام» به عنوان سندی تعهدآور میان دولت ایران و دولت‌های دیگر تصویب می‌شود و علاوه بر این و نیز طبق ماده ۲ همین کنوانسیون، عنوان، تعیین‌کننده نیست، بلکه ملاک، رعایت شرایط معاهده است، بنابراین، «برجام» معاهده‌ای حقوقی است» (Delkosh, 2017: 56). ذکر این نکته نیز ضروری است که پس از حصول توافق هسته‌ای، اینکه مجلس شورای اسلامی باید آن را به تصویب برساند یا خیر به یکی از موضوعات چالش برانگیز فضای سیاسی ایران تبدیل شده بود. برخی از حقوقدانان و از جمله بسیاری از مقامات دولتی ذریعاً معتقد بودند «برجام» به دلیل شکل تنظیم سند و با استناد به قصد و نیت طرف‌ها و به صراحت متن آن، تنها سند اجرایی مشتمل بر برخی اقدامات داوطلبانه از سوی دو طرف است که انجام هرکدام از این اقدامات منوط به اقدام طرف مقابل است و بنابراین، نمی‌توان آن را عهدنامه، مقاوله‌نامه، قرارداد یا موافقت‌نامه بین‌المللی دانست. به نظر آن‌ها، «برجام» معاهدات حقوقی نیست که بخواهد روند تصویب را طی کند و به شکل قانون داخلی درآید. در واقع، برجام توافق سیاسی است نه حقوقی. در عین حال، «خود مجلس شورای اسلامی نیز تا حدود زیادی این مسأله را در حوزه صلاحیت شورای عالی امنیت ملی قرار داد، چون اگر به قانون الزام دولت به حفظ دستاوردها و

حقوق هسته‌ای^۱ دقت کنیم، پذیرش موارد و مصادیقی که الزاماتی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند، همواره منوط به در نظر گرفتن نظر شورای عالی امنیت ملی و ذی‌صلاح دانستن آن شده و دربندهای دو و سه این قانون، در خصوص محدودیت برای دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و بازرسی‌ها و ملاقات مقامات، مصوبه این شورا را به عنوان پیش شرط ذکر کرده است» (Poursaeed, 2015: 5-6).

برخی کارشناسان دیگر نیز معتقدند با بررسی متن «برجام» در چهارچوب یک معاهده حقوقی می‌توان دلایلی دال بر معاهده بودن آن ارائه داد، آنها در این مورد «ماهیت» تحلیل می‌نمایند که: «الف- شکل و قالب «برجام» در نظام بین‌المللی، می‌تواند مبین توافقی (حقوقی) بین‌المللی باشد. ب- ماهیت اقدامات یا تعاملات مندرج در «برجام» و همچنین شرایط واقعی و اوضاع و احوال خاص حاکم بر انعقاد «برجام» می‌تواند تعیین‌کننده ماهیت آن باشد. ج- در بحث «اجرایی» قابل بررسی است که داشتن ضمانت اجرا یکی از خصائص بارز تعهدات حقوقی در مقابل تعهدات سیاسی است. برگشت‌پذیری در تعهدات حقوقی معمولاً به عنوان نقض تعهد تلقی می‌شود. در فضای حقوق و روابط بین‌الملل، چون اجرای معاهدات یا موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مطلوب طرفین است، لذا قانون الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای سازوکاری تحت عنوان «اجرا یا پابندی» پیش‌بینی می‌شود. لیکن در موافقت‌نامه‌های سیاسی که

^۱. ماده واحده - در راستای صیانت از منافع ملی و رعایت مقررات پادمان معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، هر گونه نتایج مذاکرات هسته‌ای با کشورهای (۱+۵) در صورتی معتبر است که الزامات زیر به صورت شفاف رعایت شود:

۱- لغو تحریم‌ها باید به طور یکجا و کامل در متن توافقنامه درج شده و در روز آغاز اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران انجام شود.

۲- آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب توافقنامه پادمان، مجاز به انجام نظارت‌های متعارف از سایت‌های هسته‌ای است و دسترسی به اماکن نظامی، امنیتی و حساس غیرهسته‌ای، اسناد و دانشمندان ممنوع است و باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود.

۳- هیچ محدودیتی برای کسب دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تحقیق و توسعه، پذیرفته نیست و باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود.

تبصره ۱- براساس اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵) قانون اساسی، نتیجه مذاکرات باید به مجلس شورای اسلامی ارائه شود.

تبصره ۲- وزیر امور خارجه موظف است روند اجرای توافقنامه را هر شش ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی گزارش دهد. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هر شش ماه یک بار گزارش روند حسن اجرای توافقنامه را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه می‌کند.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوم تیر ماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۳ به تأیید شورای نگهبان رسید.

سرنوشت آن‌ها در اختیار کامل طرفین در اجرا یا عدم اجرا قرار گرفته است، تعریف و پیش‌بینی یک چنین ساز و کاری ضرورت ندارد» (Nazif and Zaheri, 2018: 180).

این مؤلفه در «برجام» در مواد مختلف و به اشکال مختلف بیان شده است. لذا چنانچه قائل به سیاسی بودن تعهدات مندرج در «برجام» باشیم، حضور پررنگ این مؤلفه در این سند به راحتی قابل توجیه نیست.

د- در موافقت‌نامه‌های سیاسی که دارای عناوینی همانند تفاهم‌نامه هستند برای بیان موارد توافق از مؤلفه‌های زبانی خاصی استفاده می‌شود. در موافقت‌نامه‌های سیاسی از افعال «*Shall*» و «*Must*» استفاده نشده و به جای آن از فعل «*Will*» می‌شود، برای به اجرا درآمدن سند به جای استفاده از «*Entry Into Force*» از «*Agreement's Effective Date*» استفاده می‌کند از حیث رعایت مؤلفه‌های زبانی، عبارت بندی «برجام» محتاطانه تنظیم شده و این سند به جز در موارد اضطراری از این افعال و کلمات استفاده ننموده است، لذا دشوار است که بتوان معنای مخالفی از آن استنباط نمود» (Nazif and Zaheri, 2018: 180).

لذا در تحلیل نهایی نیز می‌توان اذعان داشت که «برجام» به دلیل طراحی ساز و کار پایبندی، اجرا و پیش‌مختص به خود، از قدرت اجرایی‌ای به مراتب بالاتر از سایر معاهدات حقوقی بین‌المللی مشابه خود برخوردار است.

این در حالی است که به زعم برخی کارشناسان حقوقی «برجام» یک معاهده نیست و طرفین از نظر حقوقی و قانونی ملزم به اجرای مفاد آن نیستند ولی معتقدند با اینکه ماهیت غیرحقوقی «برجام» مشکلاتی را در مسیر تعهد دو طرف به مفاد توافقنامه ایجاد خواهد نمود، این موضوع «برجام» را به طور کامل غیرقابل اجرا نمی‌کند. مفاد مربوط به بازگشت تحریم‌ها در صورت نقض توافقنامه از سوی ایران، محرکی است برای رعایت مفاد این توافقنامه از سوی این کشور. همچنین در صورت نقض توافقنامه وین از سوی اعضای ۵+۱، بخصوص ایالات متحده، ایران نیز می‌تواند برنامه تولید سلاح هسته‌ای را از سر بگیرد. بنابراین، هزینه نقض توافق از سوی دو طرف افزایش خواهد یافت.^۱

جوینر^۳ (۲۰۱۶) در مورد اهمیت «برجام» بیان می‌دارد که «اگرچه از وقوع جنگ جلوگیری نماید، اما برخلاف جنبه‌های مثبت «برجام» در حل یکی از مهم‌ترین بحران‌های امنیتی منطقه خاورمیانه، این توافقنامه دارای دو ضعف اساسی است که غیرقابل چشم‌پوشی است، ماهیت

^۱. MOU

^۲. <http://www.cornellilij.org/a-closer-look-at-the-iran-nuclear-deal>

^۳. Daniel Joyner, Prof. at University of Alabama School of Law

غیردائمی این توافقنامه و غیر الزام‌آور بودن آن. از طرفی مفاد مربوط به پایان این توافقنامه بسیاری از کارشناسان و ناظران را نگران کرده است. این مفاد «برجام» را به یک توافقنامه کوتاه‌مدت تبدیل می‌کند که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را حداکثر برای ۲۵ سال محدود می‌کند. بعد از سپری شدن این محدودیت زمانی ایران تنها باید به قوانین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پروتکل‌های الحاقی آن متعهد باشد. اگرچه ایران متعهد نیست که پس از پایان «برجام» به پروتکل‌های الحاقی آژانس متعهد باشد. در واقع، به موجب «برجام» ایران تنها متعهد به اجرای موقتی پروتکل الحاقی است» (Joyner, 2016).

۳- سیر تاریخی برنامه هسته‌ای ایران

در پیش از انقلاب اسلامی، «در زمان پهلوی دوم، ایران پروژه‌های بلندپروازانه‌ای را برای توسعه برنامه‌ی هسته‌ای خود آغاز نمود. این پروژه‌ها با کمک ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی طراحی شده بود که یک رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی که توسط آمریکا در اختیار ایران قرار گرفت، طراحی شده بود. بر اساس برنامه‌های شاه در سال ۱۹۷۴، ایران باید ظرف ۲۰ سال به ظرفیت تولید ۲۳ هزار مگاوات برق هسته‌ای برسد. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، توسعه‌ی برنامه‌ی هسته‌ای ایران را به مدت چند سال متوقف نمود» (<https://www.iranwatch.org>). برنامه‌ی هسته‌ای ایران بار دیگر در دوران ریاست جمهوری اکبرهاشمی رفسنجانی، در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، از سر گرفته شد روند مذاکرات هسته‌ای در دوران خاتمی و احمدی نژاد نیز ادامه پیدا کرد و توافقات دوجانبه و چند جانبه از جمله: و پروتکل همکاری هسته‌ای با جمهوری خلق چین در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰، در طول دهه‌ی ۱۹۹۰، کمک بسیاری از شرکت‌ها در روسیه و چین امضای پروتکل الحاقی در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳، ارجاع پرونده ایران در ۴ فوریه ۲۰۰۶، به شورای امنیت سازمان ملل شکل گرفت (Gul, 2012: 37). با روی کار آمدن دولت روحانی روند مذاکرات در مسیر جدی در جهت انعقاد موافقت‌نامه به حرکت خود ادامه داد چرا که حسن روحانی در مقایسه با محمود احمدی‌نژاد تمایل بیشتری به آغاز مذاکرات جدی با غرب برای حل‌وفصل مسأله هسته‌ای ایران از خود نشان داد. از جمله: نخستین نشست در ۲۳ مهرماه، دور دوم، ۱۶ آبان در ژنو، دور سوم مذاکرات، ۲۹ آبان در ژنو (ژنو ۶)، مذاکرات وین ۱ (دور اول در وین)، مذاکرات وین ۲، روز ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)، مذاکرات وین ۳، مذاکرات وین ۴ و ۵، آخرین دور مذاکرات وین، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ که به توافق لوزان شهرت دارد. بر اساس تفاهم هسته‌ای لوزان، هیچ یک از تأسیسات و فعالیت‌های مرتبط با هسته‌ای متوقف، تعطیل و یا تعلیق نمی‌شود و فعالیت‌های هسته‌ای ایران در تمامی تأسیسات هسته‌ای از جمله نطنز، فردو، اصفهان و اراک ادامه خواهد داشت. همچنین توافق لوزان ادامه غنی‌سازی در داخل ایران را تضمین می‌کند.

علاوه بر این، در حوزه‌ی تحریم‌ها، تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت، تحریم‌های چندجانبه اتحادیه اروپا و تحریم‌های یک‌جانبه‌ی ایالات متحده لغو خواهد شد (Borger and Lewis, 2015). این تفاهم‌نامه در نهایت منجر به توافقنامه وین شد که به برجام معروف شده است. در نهایت، «در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵)، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) پس از مذاکرات طولانی میان وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، سه کشور اروپایی (فرانسه، انگلیس و آلمان)، روسیه، چین، ایالات متحده آمریکا و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نهایی شد» (Delkhosh, 2018: 34).

۴- طرق تأثیر «برجام» بر عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی

در تعریف، «حقوق عدم‌اشاعه، به معنای موسعی در نظر گرفته شده و همه معاهدات مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی (معاهدات مربوط به سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک، پرتوزا و هسته‌ای و نیز مربوط به موشک‌ها به خاطر توانایی آن‌ها در حمل سلاح‌های مزبور) را در برمی‌گیرد. این اصطلاح ضرورتاً معاهدات زیر را شامل می‌شود:

- معاهدات مربوط به کنترل سلاح‌های کشتار جمعی (یعنی معاهداتی که طبق آن‌ها دولت‌ها موافقت می‌کنند میزان یا نوع سلاح‌هایی را که حق مالکیت‌شان را دارند محدود کرده یا کاهش دهند).

- معاهدات خلع سلاح‌های کشتار جمعی (معاهداتی که طبق آن‌ها دولت‌ها موافقت می‌کنند که به طور کامل از مالکیت انواعی از سلاح‌ها چشم‌پوشی کرده و ذخایر موجود آن سلاح‌ها را کنار بگذارند).

- معاهدات عدم‌اشاعه مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی (معاهداتی که هدف آن‌ها جلوگیری از گسترش سلاح‌ها است).

- معاهدات مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی که برخی از انواع خاص رفتارها را محدود می‌سازند، نظیر معاهداتی که آزمایش سلاح را ممنوع کرده‌اند» (Joyner and Roscini, 2012: ۱۴۶). توجه به این انواع معاهدات در حقوق عدم‌اشاعه، در زیر به مواردی که «برجام» می‌تواند بر عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی تأثیرگذار باشد پرداخته می‌شود:

۴-۱- برجام و کاهش سلاح‌های کشتار جمعی از طریق ایجاد توازن میان حق و تکلیف

طرفداران این رویکرد بر اساس توازن میان حق و تکلیف در چارچوب مقررات بین‌المللی معتقد بوده‌اند جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به همان میزان که تکلیف خود را در مورد پذیرش نظارت بر فعالیت‌هایش را انجام می‌دهد بایستی از کمک‌های

بین‌المللی برای پیش برد اهداف صلح‌آمیز هسته‌ای برخوردار باشد. لذا تمام تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران و گروه مذاکره‌کننده آن همواره در راستای ایجاد این تعادل بین حق و تکلیف بوده‌اند این موضوع تا قبل از توافق برجام میسر نگردید، چرا که تا قبل از انعقاد برجام غرب معتقد به پنهان‌کاری ایران و عدم پذیرش نظارت بین‌المللی است و معتقد بودند که ایران بسیاری از مقررات را نقض کرده به همین دلیل نه تنها از هیچ حقی برای برخورداری از حق مشروع در برنامه هسته‌ای خود نیست، بلکه بایستی موضوع آن در دستور کار بازرسی و نظارت دوره‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین به عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل قرار گیرد (Khalili, 2016: 378).

اما «برجام» توانست با تبدیل جمهوری اسلامی ایران از تهدیدی خیالی به مدلی پیشرو و بازیگری مسئول در قبال صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین لغو قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و ۱۲ قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بسته شدن پرونده ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران در مهم‌ترین نهاد بین‌المللی به نوعی تعادل میان این حقوق و تکالیف در جهت ممانعت ایران از تولید و گسترش سلاح هسته‌ای ایجاد نماید و تهدید پوچ و بی‌اساس علیه ایران را خنثی نماید (Khalili, 2016: 147).

۲-۴- برجام مانع گسترش سلاح هسته‌ای از طریق ایجاد محدودیت و نظارت

اگرچه جمهوری اسلامی ایران به موجب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌بایست از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای خودداری نماید، اما می‌تواند با اعلام یک فرصت سه‌ماهه از این پیمان خارج شده و اقدام ساخت سلاح‌های هسته‌ای نماید. از این‌رو، توافقنامه وین می‌تواند محدودیت‌ها و نظارت‌های بیشتری بر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اعمال نماید. به عنوان مثال، بر اساس این توافقنامه، ایران متعهد شده است که پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پادمان‌ها و اقدامات شفاف‌سازی شده مطرح در متن توافقنامه وین را اجرایی نماید، بنابراین برنامه اتمی ایران بعد از اجرای «برجام» بر اساس یک سیستم بازرسی سخت‌گیرانه توسط آژانس مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. بنابراین، «برجام» می‌تواند از دسترسی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی جلوگیری نماید.^۱

۳-۴- برجام مانع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی با کنترل و نظارت بر تسلیحات موشکی

در این راستا قابل بررسی است که، ایران عضو رژیم نظارت بر فناوری موشکی نیست و لذا

^۱. <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran/181-iran-nuclear-deal-two-status-report>

می‌تواند در جهت تولید، توسعه و استقرار موشک‌های بالستیک و قابلیت‌های فضایی فعالیت‌هایی را انجام دهد. از این‌رو، طرف غربی همواره تلاش داشته است نگرانی‌هایی را در خصوص مقاصد برنامه موشکی و فضایی جمهوری اسلامی ایران در فضای بین‌المللی القاء نماید با این استدلال که موشک‌های بالستیک ایران قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای را دارا است که این موضوع تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود.^۱ از سوی دیگر بر اساس بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹، فعالیت‌های موشکی ایران به‌طور کامل ممنوع شده بود و برای تحقق این امر این قطعنامه حتی به دولت‌ها اجازه می‌داد که علیه ایران به زور متوسل شوند، ولی در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت از ایران می‌خواهد فعالیت‌های موشکی که برای حمل کلاهک هسته‌ای طراحی شده یا می‌شود انجام نگیرد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران اساساً در برنامه‌اش فعالیت موشکی مرتبط با هسته‌ای نیست. نکته مهم دیگر اینکه شورای امنیت موضوع محدودیت در فعالیت‌های موشکی ایران را تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل بیان نمی‌کند و فقط به عنوان یک خواسته آن را مطرح می‌کند. نکته کلیدی ایجاد محدودیت برای ایران در مورد ساخت موشک‌هایی بلند برد است. درست است که ایران اساساً دنبال سلاح هسته‌ای نیست، اما ایجاد محدودیت برای تولید موشک‌های بلند برد قابل توجه به نظر می‌رسد. البته با در نظر گرفتن تعیین محدودیت هشت ساله، چندان مشکل‌ساز نخواهد بود (Abolhassan Shirazi, 2015: 24-46).

۴-۴-۴- برجام و عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی با تقویت نظام عدم‌اشاعه هسته‌ای

مهم‌ترین امتیازی که با برجام برای جامعه بین‌الملل خصوصاً در حوزه اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی داشته باشد در صحنه بین‌المللی ایجاد شده، تقویت نظام عدم‌اشاعه هسته‌ای است. حتی با وجود پذیرش نقش دیگر قدرت‌ها نیز هنوز آمریکا مهم‌ترین قدرت هژمون در دنیاست و حفظ و تأمین امنیت جهان در راستای منافع این کشور ارتباط تنگاتنگی با حفظ و گسترش نظام عدم‌اشاعه هسته‌ای دارد (Khalili, 2016: 145).

در واقع، از نظر ساختاری حل و فصل موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران باعث ثبات و امنیت بیشتر نه تنها در دنیا، بلکه به صورت خاص در منطقه آشوب‌زده خاورمیانه شد که هم به نفع آمریکا و قدرت‌های بزرگ و هم به نفع کشورهای منطقه از جمله ایران خواهد بود تا قبل از انعقاد برجام برنامه هسته‌ای ایران باعث ترغیب برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان، ترکیه، مصر و حتی امارات متحده عربی به داشتن تأسیسات هسته‌ای یا حتی در مواردی چون عربستان به اعلام آشکار اراده برای خرید سلاح‌های اتمی از پاکستان شد و از نظر ساختاری تضعیف نظام

^۱ <https://www.nti.org/learn/countries/iran/>

عدم اشاعه هسته‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی را به دنبال داشت. اما، این روند روز افزون احساس نیاز و تقاضا برای فناوری و سلاح هسته‌ای با مذاکرات منتهی به برجام دگرگون شد، زیرا این تجربه اولاً به بسیاری از کشورها نشان داد که چنین خواستی هزینه‌های بسیار گزافی دارد و با واکنش قدرت‌های بزرگ عملاً به نتیجه نمی‌رسد و ثانیاً، کاهش توان غنی‌سازی ایران خود به خود از احساس نگرانی و ترس بسیاری از کشورهای منطقه که باور کرده بودند ایران به دنبال قدرت نظامی هسته‌ای است و آن‌ها باید به فکر بازدارندگی هسته‌ای در مقابل آن باشند، کاسته است (Khalili, 2016: 146).

۵-۴- برجام و عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی از طریق کاهش رقابت تسلیحاتی

اگر بخواهیم تاریخچه سلاح‌های شیمیایی را بررسی شود، باید گفت که «کاربرد این سلاح‌ها به هزاران سال پیش برمی‌گردد. اما آنچه امروزه به عنوان سلاح شیمیایی شناخته و در رده سلاح‌های کشتار جمعی قرار می‌گیرد، به کاربرد گسترده عوامل شیمیایی در جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. در طول چهار سال جنگ، حدود یک‌صد و بیست هزار تن از عوامل شیمیایی مورد استفاده قرار گرفت که باعث کشته و زخمی شدن یک میلیون و سیصد هزار نفر گشت. در فاصله دو جنگ جهانی به واسطه اثرات وحشتناک سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو منعقد گردید» (Najafi, 1996: 4).

پروتکل ۱۹۲۵ ژنو که به ممنوعیت استفاده از گازهای سمی و خفه کننده در جنگ‌ها و روش‌های جنگ بیولوژیک اختصاص دارد، در پایان اجلاس نظارت بر تجارت بین‌المللی تسلیحات و مهمات تدوین و امضاء گردید. «اجلاس مذکور با همکاری و مساعدت جامعه ملل از ۴ مه تا ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو برگزار شد. پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در ۸ فوریه ۱۹۲۸ لازم الاجرا گردید. این پروتکل ۱۳۳ عضو دارد. ایران نیز در ۱۹۲۹ این پروتکل را تصویب کرده است» (Gharibabadi, 2002: 19). لذا دولت‌ها تلاش فراوانی در جهت کاهش رقابت تسلیحاتی به کار گرفتند در این راستا شورهای هسته‌ای با وجود عضویت در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تعهد خود به خلع سلاح هسته‌ای تحت ماده شش معاهده به سمت کاهش سلاح‌های هسته‌ای نرفتند، بلکه به گسترش و مدرنیزه کردن سلاح‌های هسته‌ای خود پرداختند. در این مسیر، این گروه از دولت‌ها دست به انجام صدها آزمایش هسته‌ای زدند تا کارایی سلاح‌های خود را افزایش دهند. پس از پایان جنگ سرد و فضای ایجاد شده از آن، بستر مناسبی فراهم شد تا مذاکرات معاهده‌ای برای توقف کامل آزمایش‌های هسته‌ای آغاز گردد. اجلاس خلع سلاح برای اولین بار در دهم اوت ۱۹۹۳ موافقت کرد مذاکره در مورد معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای را بر عهده گیرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در تأیید این تصمیم در ۱۶ دسامبر

۱۹۹۳ به اتفاق آراء قطعنامه‌ای را به نام «معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای» به تصویب رساند و بر اساس آن از اجلاس خلع سلاح خواست که در شروع اجلاس ۱۹۹۴ خود کمیته ویژه منع آزمایش‌های هسته‌ای را با مسئولیت مذاکره در این مورد مجدداً تأسیس نماید و خود نیز به عنوان اولویت در مذاکرات، با جدیت معاهده‌ای را با ویژگی‌های جهانی، بین‌المللی و قابلیت نظارت مؤثر دنبال نماید (UN, 1993: 62).

اگرچه قدرت‌های دارنده انرژی هسته‌ای و سلاح هسته‌ای نمی‌خواهند سلاح‌های هسته‌ای خود را کاهش دهند، اما تلاش دارند تا از دست‌یابی بقیه کشورها ممانعت به عمل آورند از این رو می‌توان گفت که تقویت رژیم عدم‌اشاعه جهانی در راستای عملیاتی کردن ایده خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی قدرت‌های منطقه‌ای را از حرکت به سمت تسلیحات هسته‌ای و ایجاد رقابت تسلیحاتی هسته‌ای در خاورمیانه باز می‌دارد. به عبارتی توافق هسته‌ای ایران با اثبات عدم تمایل تهران برای حرکت به سمت تسلیحات نظامی هسته‌ای از میزان تنش‌ها در منطقه کاسته است. به عبارت دیگر برجام می‌تواند تجربه موفق در جهت کاهش رقابت تسلیحاتی نه تنها در منطقه خاورمیانه بلکه در دیگر مناطق جهان باشد.

۶-۴- برجام مانع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی از طریق ایجاد یک استاندارد جهانی

در ماده شش (معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای، هر یک از طرف‌های پیمان متعهد شده است با حسن نیت کامل، مذاکرات درباره اقدامات مؤثر به منظور متوقف ساختن هر چه زودتر مسابقه تسلیحات هسته‌ای و هم‌چنین مذاکرات درباره خلع سلاح هسته‌ای و انعقاد پیمان خلع سلاح عمومی و کامل، تحت کنترل شدید و مؤثر بین‌المللی را تعقیب کند. علیرغم ظاهر الزام‌آور این ماده، بسیار واضح است که تعهد بر انجام مذاکره با رعایت حسن نیت در جهت انعقاد پیمان خلع سلاح در آینده دربرگیرنده چیزی بیشتر از تعهدی اخلاقی و آرمانی نیست (Saed, 2004: 54). به عبارت دیگر در طول دهه‌های سپری شده از وضع معاهده مذکور، هنوز پیمانی که قدرت‌های هسته‌ای را در بر به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای محدود نماید، ایجاد نشده است. «معاهدات بین‌المللی خلع سلاح کامل و همه‌جانبه هیچ وقت مطرح نشد و فقط کنترل محدود موضوع کنوانسیون‌ها قرار گرفت» (Afzalzadeh and Rahbar, 2017:83). اما توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته شده و رسمی «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» اقدامی برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران با چارچوب و ابعادی مشخص بود، اما کمتر کسی است که به پیامدها و مقتضیات فراهسته‌ای آن باور نداشته باشد. یکی از این پیامدها حوزه معاهدات خلع سلاح، عدم‌اشاعه و کنترل تسلیحات است. یکی از ویژگی‌های اساسی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، ماهیت بین‌المللی و گستردگی موضوعی آن است که سبب می‌شود کلیه تسلیحات خواه از نوع

کشتار جمعی یا متعارف را در قالب مذاکره بین‌المللی و همانا انعقاد یک معاهده بین‌المللی است، در برگیرد. نظام خلع سلاح و کنترل تسلیحات به مفهوم و معنای عام آن، ضمن آنکه مفاهیم مورد اشاره منشور (یعنی خلع سلاح و تنظیم تسلیحات) را در بر می‌گیرد، چهار هدف اساسی را دنبال می‌کند:

- ۱- کاهش احتمال وقوع درگیری و جنگ بین دولت‌ها
- ۲- کاهش درد، رنج و صدمه بر جمعیت و نیروی انسانی دولت‌ها در صورت وقوع جنگ،
- ۳- کاهش مخارج تسلیحاتی و در نتیجه تقلیل هزینه‌های جنگ
- ۴- مشارکت در مدیریت منازعات مسلحانه از طریق ارائه چهارچوبی برای مذاکره میان طرف‌های متخاصم و کاهش تنش‌ها.

تاکنون سازمان ملل موفقیت‌هایی در زمینه تدوین معاهدات مربوط به عدم اشاعه و کنترل تسلیحات داشته است. از جمله اقدامات آن تصویب موافقت‌نامه جهانی در زمینه کنترل تسلیحات (معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای) تحت عنوان ان‌پی‌تی در سال ۱۹۶۸ است که در سال ۱۹۹۵ نیز به طور نامحدود تمدید شد. اما آنچه در ضرورت اهمیت برجام در این راستا می‌توان اشاره نمود این است که از توافق‌نامه برجام می‌توان به عنوان جامع‌ترین توافق عدم اشاعه و کنترل تسلیحات در طول تاریخ نام برد که در جهت اهداف معاهدات کنترل تسلیحات و عدم اشاعه عمل می‌کند. این توافق یک استاندارد جدید برای حل بحران هسته‌ای جهانی است. مدل دیپلماسی برآمده از آن نیز می‌تواند در حل و فصل موضوعات مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی و جلوگیری از دستیابی دولت‌ها به تسلیحات کشتار جمعی به کار آید. بعلاوه اینکه به عنوان الگویی در ایجاد مدل امنیتی بین‌المللی در رژیم عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و کنترل تسلیحات هسته‌ای باشد و بتواند به حل مناقشات و بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای سرعت قابل توجهی دهد.^۱ اگرچه در آینده نزدیک، پیروز شدن دونالد ترامپ یا جو بایدن برای آینده برجام اثرگذار خواهد بود، به ویژه اینکه لابی اسرائیلی بر هر یک از این دو، به شکلی خاص اثر می‌گذارد تا منافع این رژیم به وسیله آمریکا حفظ شود (Javanshiri and Basiri, 2019: 53-54).

نتیجه‌گیری

برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به «برجام» توافق‌نامه‌ای است که به طور مشخص به فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد در واقع این توافق‌نامه جمهوری اسلامی ایران را از تلاش برای توسعه و تولید سلاح‌های هسته‌ای منع می‌کند اما فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز کشورمان را در چارچوب قوانین و مقررات بین‌المللی به ویژه پیمان منع

^۱ <http://www.npps.ir/articlepreview.aspx?id=182243>

گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای^۱ مجاز می‌شود. این در حالی است که برخی از صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل قائل به این هستند که مفاد توافقنامه نشان می‌دهد که این توافقنامه از نظر حقوقی الزام‌آور نیست و شاهد این مطلب همان است که در مقدمه برنامه جامع اقدام مشترک نیز تأکید شده است: «طرفین اقدامات مندرج در متن توافقنامه و ضمایم آن را به صورت داوطلبانه اجرا خواهند کرد». فارغ از اینکه این توافقنامه از نظر حقوقی الزام‌آور است یا خیر اما بررسی این مقاله نشان داد که برجام می‌تواند تأثیرات مثبتی بر کاهش سلاح‌های کشتار جمعی داشته باشد

نهایتاً با بررسی این مقاله در قالب برجام و نقش آن در عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل می‌توان نتایج زیر را برشمرد اولاً، با توجه به ویژگی‌های یک معاهده در قالب (معاهده توافق بین‌المللی است؛ معاهده کتبی است؛ معاهده تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل است و محتوای سند مورد توافق، تعیین‌کننده ماهیت آن است نه عنوانی که طرف‌ها برای آن برمی‌گزینند) همان‌گونه که اشاره شد «برجام» یک توافق‌نامه دو رویه است که علاوه بر جنبه سیاسی و نزاکتی که در محتوای آن نهفته است و برخی از کارشناسان به آن اشاره داشته‌اند، از آنجا که به عنوان بخشی از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت محسوب می‌شود دارای جنبه حقوقی نیز هست ثانیاً؛ در رد نظریه و استدلال مخالفان معاهده بودن برجام می‌توان تحلیل نمود که چون «برجام» از حیث صراحت به دلیل اینکه در بحث‌های فنی متکی به قواعد است، و از استانداردها و اصول بهره می‌برد، از حیث سازمان، علاوه بر تعهدات آنی، تعهداتی مستمر را طراحی نموده که حداقل در بازه زمانی ای ۱۰ ساله باید اجرا شوند و درنهایت نیز چون «برجام» از حیث استقلال در نظام حقوق بین‌الملل، حداقل به قطعنامه شورای امنیت مرتبط است و لذا تأثیر و تأثراتی را از آن نظام خواهد پذیرفت لذا می‌توان بیان داشت که «برجام» صرفاً یک توافق سیاسی نبوده بلکه می‌توان آن‌ها معاهده نیز نامید، گذشته از این «برجام» صرف‌نظر از اینکه معاهده باشد یا خیر، عجزاً یک توافق بین‌المللی با توافقات و تعهدات مشخص برای طرفین است که بایستی ایفاء گردند. «برجام» می‌تواند از طریق برخورداری از سیستم شفافیت، ممانعت از ساخت بمب هسته‌ای و استاندارد جدید برای عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، بر ساختار ناهمگون و نابرابر تعبیه شده در پیمان منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی قبل از خود تأثیرگذار در جهت رفع نواقص حقوقی آن‌ها باشد.

در آینده می‌توان با تکمیل و تقویت بعد حقوقی و ضمانت اجرایی «برجام» هم از گسترش و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی جلوگیری کرد و هم به عنوان یک روش مسالمت‌آمیز در جهت حل بحران‌های بین‌المللی استفاده نمود و مانع از یک‌جانبه‌گرایی قدرت‌ها خاص آمریکا در برخورد با کشورها در خصوص موضوع هسته‌ای شد نظیر آنچه آمریکا با عراق در این خصوص انجام داد.

¹. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT)

². Voluntary

در پایان لازم به ذکر است که منابع بررسی شده حکایت از آن دارند که فرضیه پژوهش تایید شده و بررسی منابع بر تایید آن صحنه می‌گذارند که «برجام» از طریق تعهد و عمل به پروتکل الحاقی و پادمان آرانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و پادمان‌ها و اقدامات شفاف‌سازی شده مصرح در متن توافقنامه وین، از طریق کاهش رقابت تسلیحاتی و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بر حقوق بین‌الملل حاکم بر عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی تأثیر می‌گذارد. اگر در ایالات متحده آمریکا، طبق پیش‌بینی نظرسنجی‌های فعلی، بایدن بتواند به ریاست جمهوری برسد، به نظر می‌رسد، با وجود این توانمندی‌های برجام، بخواهد آن را دوباره احیا کند.

References

1. Abolhassan Shirazi, H. (2015). Anatomy of Nuclear Talks between Iran and America until CPJOA and Adoption of Resolution 2231. *Research Letter of International Relations*, 8(30), 9-56. **(In Persian)**
2. Afzalzadeh, R., Rahbar, M. (2017). Comparative Study of Prohibiting the Use of Nuclear Weapons in Jurisprudence and International Law. *Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 10(19), 83-104. **(In Persian)**
3. Blockmans, S., Viaud, A. (2017), EU Diplomacy and the Iran Nuclear Deal: Staying Power?. *CEPS Policy Insights*, 14 July 2017, at: <https://www.ceps.eu/ceps-publications/eu-diplomacy-and-iran-nuclear-deal-staying-power/>
4. Borger, J., P Lewis, P. (2015). Iran Nuclear Deal: Negotiators Announce 'Framework' Agreement. *The Guardian*, April 3, from: <https://www.theguardian.com/world/2015/apr/02/iran-nuclear-deal-negotiators-announce-framework-agreement>
5. Delkhosh, A. (2017). International Law Prospective on the JCPOA and Post-JCPOA. *Journal of Foreign Policy*, 31(1), 51-73. **(In Persian)**
6. Delkhosh, A. (2018). JCPOA: The Participants and International Law. *International Studies Journal (ISJ)*, 15(1), 34-62. **(In Persian)**
7. Javanshiri, A. S., Basiri, M. A. (2019). Comparing the Role of Israel Lobby in US Foreign Policy during Barack Obama and Donald Trump Administrations (With an Emphasis on Nuclear Agreement with the Islamic Republic of Iran). *International Studies Journal (ISJ)*, 16(1), 31-61. **(In Persian)**
8. Densho Encyclopedia (2019). Gentlemen's Agreement. *Densho Encyclopedia*, Last

- Updated November 27, from: http://encyclopedia.densho.org/Gentlemen's_Agreement
9. Farjvand, H. (2003). International Society and the-Proliferation of Nuclear Weapons. *Religion & Communication*, 8(18-19), 163-192. **(In Persian)**
 10. Fattahi Zafar Ghandi. A. (2015). Study of the Legal Dimensions of JCPOA in the Islamic Republic of Iran, *Research Report from Guardian Council Research Institute*, Report Serial 13940122, 1-86. **(In Persian)**
 11. Gharibabadi, K. (2002). *Introduction to Disarmament and Arms Control Treaties*, Tehran, Geographical Organization Publications. **(In Persian)**.
 12. Grip, L. (2017). Small Arms Control in Africa. *HELDA*, Available at: <https://helda.helsinki.fi/handle/10138/182803>
 13. Gul, A. (2012). Iran's Pursuit of Peaceful Nuclear Technology. *Pakistan Horizon*, 65(1), 35-52., from: <http://www.jstor.org/stable/24711205>
 14. Hollis, D., Newcomer, J. (2009). Political Commitments and the Constitution, *Virginia Journal of International Law*, 49(3), 508-581, from: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1274463
 ۱۵. <https://www.iranwatch.org/our-publications/weapon-program-background-report/history-irans-nuclear-program>. (2020), 6/23.
 16. Joyner, D. (2016). Iran's Nuclear Program and International Law: From Confrontation to Accord, *Opinio Juris*, Available at: <http://opiniojuris.org/2016/09/26/irans-nuclear-program-and-international-law-from-confrontation-to-accord/>
 17. Joyner, D., Roscini, M. (eds) (2012). *Non-Prolifilation Low as A Special Regim: A Contribution to Fragmentation Theory in International Law*. Cambridge: Cambridge University Press.
 18. Khalili, R. (2016). *The Impact of JCPOA on the Regional and International Status of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Research Institute for Strategic Studies. **(In Persian)**
 19. Khosh Andam, B. (2007). Iran's Response to the International Regime and the Prohibition of Dissemination of Weapons of Mass Destruction. *Journal of Disarmament*, 1(2), 53-75. **(In Persian)**
 20. Mardani, N., Hooshmand, M.M (2016). JCPOA; A Dialectical Paradigm of Treaty and Other International Instruments. *Journal of Politics and Law*, 9(3), 70-84, doi: 10.5539/jpl.v9n3p70

21. Molla /karimi, O., Jalali, M. (2017). Nature of "JCPOA" from Perspective of International Law. *Public Law Studies Quarterly*, 47(1), 51-73. doi: 10.22059/jplsq.2017.61746 **(In Persian)**
22. Najafi, R. (1996), The end of the Cold War and the conclusion of the Chemical Weapons Convention, *Thesis of the University of Tehran*. **(In Persian)**
23. Nazif, M., Zaheri, A. (2018), The New Generation of International Agreements: JCPOA, *Public Law Research*, Year 19(58), 165-192, doi: 10.22054/QJPL.2017.18080.1435 **(In Persian)**
24. Partovi, A., Motalebi, M., Mousavi, S. M. (2016). Study of International Regimes Prohibiting the Use of Weapons of Mass Destruction on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *International Police Studies*, 7(21), 9-31. **(In Persian)**
25. Poursaeed, F. (2015). Acceptance of JCPOA and the Challenges of Its Implementation. *National Security Watch Strategic Monthly*, 4(43), 5-6. **(In Persian)**
26. Saed, N. (2004). Development of Peaceful Nuclear Knowledge and Technology in the Documents and Teachings of International Law. *Scientific Journal of Defense Policy*, 12(46), 45-72. **(In Persian)**
27. Taheri Kalan, M. (2016). JCPOA Analysis from the Perspective of Domestic and International Law. *First International Comprehensive Congress of Political Science of Iran*, 3(1), from: <https://civilica.com/doc/635772/> **(In Persian)**
28. UN (1993). *Disarmament Yearbook*, New York: Department for Disarmament Affairs.
29. Widdows, K. (1979). What Is an Agreement in International Law?. *The British Yearbook of International Law*, 50(1), 144-149. from: <https://academic.oup.com/bybil/article-abstract/50/1/117/535727?redirectedFrom=fulltext>
30. Ziaei Bigdeli, M. R. (1999). Fundamental Links of Custom and Convention in Comparative Law and International Law. *Journal of Legal and Political Research*, 1(1), 7-25. **(In Persian)**

